

## عنوان مقاله:

رشد و توسعه عرفان در شعر

## محل انتشار:

دهمین کنفرانس بین المللی مطالعات زبان، ادبیات، فرهنگ و تاریخ (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 16

## نویسنده:

علی رشیدی - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنج، سنج، ایران

## خلاصه مقاله:

با راهیابی عرفان اسلامی به ادبیات فارسی، افزون بر بیان حالت های روحی عرفا، در تعلیم و پاکی روح سالک تاثیر شگرفی از خود بر جای نهاد. این مقاله با نگاهی به سیر عرفان ادبی، درصدد نشان دادن اوج عرفان در اشعار مولوی است. از آغاز قرن چهارم، عرفان اسلامی رسم ا وارد فضای ادبیات فارسی گردید. در قرن ششم، سنایی با شعر زاهدانه و تعلیمی برای اولین بار مباحث عرفانی را به طور جدی در مثنوی و قصیده هایش آشکار کرد. پس از وی عطار با شعرای عاشقانه (عرفانی) خویش این سیر را تکمیل کرد و مولوی با تکیه بر این دو عرفان را به اوج رساند. باوجود دیگر آثار مولانا، دو اثر منظوم اوست که در فضای عرفان ادبی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. بدون تردید اثر بزرگ مولانا «مثنوی» است که حاصل جمیع تجربه های عرفانی مطرح شده در دنیای اسلام در عالم شعر به شمار می رود. «مثنوی» به نوعی دائره المعارف افکار و عقاید مولانا نیز به حساب می آید. در «دیوان شمس» روح شادمانه ای موج می زند که کمتر در غزل های شاعران دیگر دیده می شود؛ حالتی پرهیجان و آکنده از شور و حرکت که در غالب این غزل ها است، ویژگی عمده غزل سرایی مولانا است. غزل های ساده و بیقید او حالتی صمیمانه دارند و همین باعث می شود که الفاظ و تعبیرات شعر او گهگاه کوبنده و سیل آسا گردد و طغیان واقعی روحی پرهیجان را نشان بدهد.

## کلمات کلیدی:

عرفان اسلامی، عرفان ادبی، سنایی، عطار، مولانا، مثنوی، دیوان شمس.

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1438247>

